رژیم بین‌المللی هراس اخلاقی: نقش رسانه

دکتر علی‌حسین نجفی‌ابرندآبادی *

سید مهدی سیدزاده ثانی **

چکیده

هراس اخلاقی به حساسیت بالای مردم به برخی مسائل اجتماعی که نوعا به عنوان تهدید نظم اجتماعی مطرح می‌شود، اطلاق شده است. این آموزه نخستین بار توسط *استنلی کوهن* در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. به نظر وی هراس اخلاقی زمانی بروز می‌کند که شرایط، حالت، فرد و یا گروهی از افراد به عنوان تهدیدی برای ارزش‌ها و علایق اجتماعی معرفی می‌شوند. در نظریه‌ی *کوهن* دو دسته افراد نقشی کلیدی دارند: از یک سو، افرادی که هنگام احساس خطر برای ارزش‌های غالب فرهنگی یا اجتماعی هراس اخلاقی را دامن می‌زنند؛ این افراد *کارفرمایان اخلاقی* نام گرفته‌اند. از سوی دیگر، افرادی که متهم به نقض نظم اجتماعی می‌شوند و *جماعت اهریمنی* خطاب می‌شوند. هراس اخلاقی با خصوصیاتی مانند نگرانی، خصومت، اجماع، پاسخ نامتناسب به جرم و ناپایداری شناخته می‌شود.

نقش رسانه‌ها در ایجاد هراس اخلاقی انکارناشدنی است. رسانه‌ها با جنجال‌آفرینی و شایعه‌پراکنی به آشوب‌های اخلاقی دامن می‌زنند و خواسته یا ناخواسته هراس اخلاقی را به وجود می‌آورند. برای ایجاد هراس اخلاقی نیازی به وجود عمد در اقدامات رسانه‌ها نیست، بلکه کافی است که رسانه‌ها با گزینش‌گری رسانه‌ای اقدام به انتشار اخبار و داده‌ها نمایند و همین امر می‌تواند نگرانی، اضطراب و هراس را در دل مردم ایجاد نماید.

---

* استاد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

هراس اخلاقی تنها به دلیل شوک و هراس ایجاد شده مدنظر قرار نمی‌گیرد، بلکه این هراس اخلاقی سبب می‌شود تا پاسخی نامتناسب به آسیب مورد نظر داده شود و این امر می‌تواند آسیب‌های بیش‌تر را به دنبال داشته باشد و یا سبب شود جامعه از توجه به آسیب-های مهم‌تر بازبماند.

کلیدواژگان

هراس اخلاقی، *استنلی کوهن*، رسانه‌های گروهی، احساس ناامنی، کارفرمایان اخلاقی.

مقدمه

جامعه معمولا به مواردی که ناقض ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در آن باشد، پاسخ نشان می‌دهد؛ به عنوان نمونه پاسخ‌های اجتماع را می‌توان در قالب جرم‌انگاری و یا برخورد غیررسمی با یک رفتار مشاهده نمود. در بسیاری از موارد پاسخ اجتماع متناسب با خطر به وجود آمده نیست. این امر به دو معنا می‌تواند باشد؛ از یک سو، عدم تناسب می‌تواند به بزرگ انگاشتن و اغراق در تهدید موجود باشد، اما از سوی دیگر، عدم تناسب پاسخ می‌تواند در قالب عدم توجه یکسان به دیگر مشکلات اجتماعی حاصل شود.

به عنوان نمونه بسیاری از محققین برخورد جامعه با مواد مخدر را نامتناسب می‌دانند. توضیح این‌که بسیاری از مشکلات مواد مخدر به دلیل اصل مبارزه با مواد مخدر است. جرم‌انگاری استفاده از تمامی انواع مواد مخدر سبب می‌شود تا قیمت آن بالا رفته و معتاد برای استفاده از مواد به منابع مالی بیش‌تری نیاز داشته باشد. نیاز به پول انگیزه‌ی کافی برای ارتکاب بسیاری از جرایم را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر جرم‌انگاری استفاده از مواد مخدر، به شکل‌گیری باندهای مجرمانه برای تهیه و توزیع مواد مخدر می‌انجامد. باندهایی که پس از تشکیل تنها به تهیه و توزیع مواد بسنده نمی‌کنند، و برای به دست آوردن پول مرتک بسیاری از جرایم دیگر می‌شوند.

هراس اخلاقی[1] به حساسیت بالای مردم به برخی مسائل اجتماعی که نوعا به عنوان تهدید علیه نظم اجتماعی مطرح می‌شود، گفته می‌شود. این آموزه نخستین بار توسط

1. Moral Panic.

ترجمه‌ی دقیق این عنوان به زبان فارسی دشوار به نظر می‌رسد. به هر حال با توجه به این‌که این عنوان قبلا نیز تحت عنوان هراس اخلاقی استفاده شده، این برگردان مورد استفاده قرار گرفته است. از آن جا که در این عنوان ایجاد ترس از نقض قواعد اخلاقی نقشی تعیین‌کننده دارد، استفاده از معادل هراس اخلاقی بد نخواهد بود. به هر حال، این عنوان را می‌توان شوک روانی یا شوک ناشی از نقض هنجارهای کیفری نیز ترجمه کرد.

استنلی کوهن در سال ۱۹۷۲ مطرح شد.[۲] به گفته‌ی وی هراس اخلاقی زمانی بروز می‌کند که شرایط، حالت، فرد و یا گروهی از افراد به عنوان تهدیدی برای ارزش‌ها و علایق اجتماعی معرفی می‌شوند[۳]. در نظریه‌ی *کوهن* دو دسته از افراد نقشی کلیدی دارند: نخست افرادی که هنگام احساس خطر برای ارزش‌های غالب فرهنگی یا اجتماعی هراس اخلاقی را دامن می‌زنند؛ این افراد *کارفرمایان اخلاقی*[۴] نام گرفته‌اند. از سوی دیگر، افرادی که متهم به نقض نظم اجتماعی می‌شوند و *جماعت اهریمنی*[۵] خطاب می‌شوند. بنا به نظریه‌ی *کوهن*، نقش رسانه‌ها در ایجاد هراس اخلاقی انکارناشدنی است. رسانه‌ها با جنجال‌آفرینی و شایعه‌پراکنی به آشوب‌های اخلاقی دامن می‌زنند و خواسته یا ناخواسته هراس اخلاقی را به وجود می‌آورند. برای ایجاد هراس اخلاقی نیازی به وجود عمد در اقدامات رسانه‌ها نیست، بلکه کافی است که رسانه‌ها با گزینش‌گری رسانه‌ای اقدام به انتشار اخبار و داده‌ها نمایند و همین امر می‌تواند نگرانی، اضطراب و هراس را در دل مردم ایجاد نماید.[۶]

در این مقاله ابتدا به نحوه‌ی شکل‌گیری هراس اخلاقی اشاره کرده و در ادامه به بررسی خصوصیات هراس اخلاقی می‌پردازیم. در پایان نیز نظریات مختلف در خصوص نحوه‌ی ایجاد هراس اخلاقی مورد بحث قرار می‌گیرد. در تمامی این قسمت‌ها به نقش

---

2. Cohen, Stanley, Folk Devils and Moral Panics, 1972 (3rd ed.) , London; Routledge, 2002.

3. Kuzma, Cindy, “Rights and Liberties: Sex, Lies, and Moral Panics” AlterNet, available at: http://www.alternet.org/rights/26131/ (retrieved at 26/05/2011).

۴. اصطلاح کارفرمایان اخلاق (Moral Entrepreneurs) نخستین بار توسط *هوارد بکر* (Howard S. Becker) به کار برده شد. به عقیده‌ی وی کارفرمایان اخلاق خود به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: هنجارسازان و اِعمال‌کنندگان هنجار. برای مطالعه‌ی بیش‌تر رک.

Becker, Howard S., Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance, New York, The Free Press, 1963, pp. 147–153.

5. Folk Devils.

6. Cohen, op.cit., p.16.

رسانه در ایجاد هراس اخلاقی نظر داریم، اما در آخرین گفتار به طور خاص به بارخوانی نقش رسانه‌ها در ایجاد هراس اخلاقی می‌پردازیم. در قسمت نتیجه‌گیری نیز به تبیین آثار هراس اخلاقی می‌پردازیم.

گفتار اول: پیدایش نظریه‌ی هراس اخلاقی

بد نیست نگاهی مختصر به منشا ایجاد آموزه‌ی هراس اخلاقی داشته باشیم. زمان، سال ۱۹۶۴؛ مکان، ساحلی دورافتاده در انگلستان؛ در این زمان و مکان یک روز یک‌شنبه دو گروه از جوانان با یکدیگر درگیر شده و خسارات بالنسبه کمی در حدود چند صد پوند به اموال عمومی و اموال مردم وارد ساختند. پلیس با بزرگ کردن مسئله بیش از صد جوان را به اتهام دخالت در موضوع بازداشت کرد و رسانه‌ها نیز به گونه‌ای موضوع را پوشش دادند که گویی شورشی بزرگ در منطقه اتفاق افتاده است.

استنلی کوهن که از دانشگاه لندن در رشته‌ی جامعه‌شناسی فارغ‌التحصیل شده بود به بررسی عدم تناسب پاسخ رسانه‌ها و مردم به این پدیده پرداخت. وی پس از بررسی موضوع، برای نشان دادن عدم تناسب ماوقع و پاسخ‌های اجتماع از اصطلاح *هراس اخلاقی* برای تبیین موضوع استفاده کرد.

به نظر *کوهن* در دوران هراس اخلاقی برخی افراد، گروه‌ها و یا شرایط به عنوان تهدیدی برای ارزش‌ها و هنجارهای حاکم معرفی می‌شوند. از یک سو، رسانه‌ها با برجسته-سازی و گزینش‌گری اقدام به برجسته نشان دادن این تهدید می‌کنند و از سوی دیگر روزنامه‌نگاران، علمای مذهبی، سیاست‌مداران و دیگر نخبگان اجتماعی اقدام به مرزبندی اخلاقی با تهدید به وجود آمده می‌کنند. متخصصان اجتماع نیز علل بروز واقعه را از منظر خود بیان کرده و برای حل آن راه‌حل و پیشنهادهای مختلف ارائه می‌کنند. بعد از گذشت چند ماه و یا چند سال موج نگرانی به وجود آمده فروکش کرده و رسانه‌ها و مردم به مطالب دیگری توجه نشان می‌دهند. کنش‌گران هراس اخلاقی از منظر *کوهن* گوناگون بوده که از جمله می‌توان به رسانه‌ها، مردم، نهادهای مجری قانون، سیاست‌مداران، قانون-

گذاران و فعالان اجتماعی اشاره کرد.

در این بین رسانه‌ها نقشی مهم و انکارناشدنی در ایجاد و یا تشدید هراس اخلاقی دارند. رسانه‌ها با اغراق در خصوص اهمیت و شدت موضوع، نگرانی مردم و سیاست-مداران را برمی‌انگیزند. در بسیاری از موارد رسانه‌ها اقدام به انتشار اطلاعات کاملا اشتباه می‌کنند. در روی‌داد بندر *کلاکتون* در انگلستان رسانه‌ها اقدام به بازنمایی اخباری در خصوص درگیری شدید میان باندهای گانگستری می‌کردند، حال آن‌که در بسیاری موارد خبری از این گروه‌های مجرمانه نبود. در پوشش خبری رسانه‌ها تصویر شمار فراوانی از نوجوانان و جوانان خلافکار در ذهن جلوه‌گر می‌شد که سوار بر موتورسیکلت امنیت جامعه را بر هم زده‌اند، حال آن‌که در واقعیت تعداد موتورسواران انگشت‌شمار بود. این جوانان از سوی رسانه‌ها عده‌ای بچه پول‌دار و به اصطلاح *مرفهین بدون درد* معرفی می-شدند، حال آن‌که در واقع اکثر این جوانان متعلق به طبقه‌ی کارگر و متوسط پایین جامعه بودند. در رسانه‌ها عنوان شده بود که اکثر این جوانان از *لندن* به *کلاکتون* آمده‌اند، حال آن‌که در واقع این افراد بومی منطقه بودند. گفته شده بود که اکثر این جوانان برای ایجاد درگیری به منطقه آمده‌اند، در حالی که اکثر آن‌ها صرفا برای تماشای درگیری‌های احتمالی در آن‌جا حضور یافته بودند. در رسانه‌ها چنین عنوان شده بود که اکثر این افراد مرتکب جرایم خشونت‌بار شده‌اند، حال آن‌که اتهام اکثر این افراد جنحه‌های کم اهمیت بود. هم‌چنین رسانه‌ها زیان وارده بر تجار و کسبه‌ی منطقه را بسیار بالا ارزیابی کرده بودند، در حالی که این عده بیش از هر کس دیگر از توجه به وجود آمده به منطقه نفع مالی می-بردند: سیل عظیمی از جمعیت که برای مشاهده و بررسی ماوقع به آن بندر دورافتاده می-آمدند، تحولی در وضعیت اقتصادی مردم منطقه ایجاد کرده بودند.[۷]

برای نمونه در یکی از وقایع مشابه، روزنامه‌ای تیتر زده بود که جوانان خشمگین

7. Ibid.

تمامی شیشه‌های مشروب فروشی‌های شهر را شکستند. اما واقعیت آن بود که آن شهر تنها یک مشروب فروشی داشت و آن مشروب فروشی هم تنها یک‌شیشه‌اش در اثر نزاع حاصله شکسته بود.

تصویر بازنمایی شده در رسانه‌ها با طرز نگرش مردم کاملا هماهنگ بود. نسل قدیم که جنگ جهانی دوم را تجربه کرده بود بزه‌کاران را از دریچه‌ی چشمان رنج‌دیده و محرومیت کشیده‌ی خود می‌نگریستند. از نظر آن‌ها بزه‌کاران مشتی جوان تازه به دوران رسیده‌ی پول‌دار، علاف، بیکار، بی‌نظم و متمرد بودند که هیچ نظارتی بر رفتار خود نداشتند. به دیگر سخن، تصویری که رسانه‌های گروهی از درگیری به وجود آمده ارائه می‌دادند کاملا با ذهنیت اکثریت جامعه‌ی انگلستان در خصوص مشکلات موجود در جامعه هم‌خوانی داشت. پاسخ بدیهی به نظر می‌رسید: کاری باید کرد، باید جلوی این جوانان خلاف‌کار را گرفت. نهادهای مجری قانون هم بزه‌کاری جوانان را تهدیدی عمده قلمداد می‌کردند، و بر ضرورت اتخاذ راه‌کارهای سرکوب‌گرا تاکید داشتند. کوهن در کتاب خود به خوبی نمایه‌هایی از افزایش سرکوب رفتار جوانان ارائه داده است. پیرو ایجاد این هراس اخلاقی مجازات‌های جوانان شدت یافت، پوشیدن لباس‌هایی که با گروه‌های مجرمانه مرتبط دانسته می‌شد ممنوع اعلام شد و هم‌چنین اصلاح موی سر اجباری اعلام شد.[۸]

سیاست‌مداران و قانون‌گذاران با موج به وجود آمده هم‌نوا شدند: اعلامیه‌ها یکی بعد از دیگری صادر می‌شد، سخنرانی بود که ایراد می‌شد و در تمام آن‌ها اتخاذ روی‌کردی کیفری به بزه‌کاری جوانان مورد تاکید قرار می‌گرفت. در این میان برخی بر تصویب قوانین جدید برای سرکوب اوباشی‌گری تاکید داشتند. از جمله‌ی این اصلاحات پیشنهادی می‌توان به پیشنهاد افزایش حداقل سن مجاز برای رانندگی به نوزده سال، مجازات بدنی

8. Ibid.

بزه‌کاران و خدمت نظام وظیفه‌ی اجباری اشاره کرد. ماجرای *کلاکتون* در هر دو مجلس عوام و اعیان انگلستان به بحث گذاشته شد. گروه‌های فشار به راحتی بر موج هراس اخلاقی سوار شده و با طرح تقاضا، برگزاری تظاهرات و ارائه‌ی راه‌حل و پیشنهاد به دنبال سازمان‌دهی مقابله با بزه‌کاری جوانان برآمدند. آن‌ها نیز بسان قانون‌گذران و مجریان قانون به دنبال تشدید مجازات بزه‌کاران جوان بودند، به گونه‌ای که برخی از این افراد فلک کردن جوانان و یا حبس با اعمال شاقه را راه‌حل بزه‌کاری جوانان ارائه می‌نمودند.[۹]

یکی از نکات اصلی نظریه‌ی *کوهن* تاکید بر جماعت اهریمنی یا منحرف است. به عقیده‌ی وی کنش‌گران هراس اخلاقی (اعم از رسانه‌ها، مردم و نخبگان جامعه) برای ایجاد هراس اخلاقی دست به نوعی دیوشناسی[۱۰] شبه‌مذهبی می‌زنند. به دیگر سخن، کنش‌گران هراس اخلاقی بازه شیاطینی را که در ادبیات مذهبی مورد اشاره قرار گرفته گسترش داده و با دامن زدن به بحث قدیمی جدال خیر و شر، عوامل هراس اخلاقی را به عنوان شیاطین جدید و به عبارت دیگر جماعت اهریمنی معرفی می‌کنند.

نظریه‌ی هراس اخلاقی به طور گسترده‌ای با استقبال پژوهش‌گران و صاحب‌نظران مواجه شده، به گونه‌ای که چندین کتاب و صدها مقاله‌ی علمی با استفاده از این نظریه، به‌صورت کلی یا در خصوص مصادیق هراس اخلاقی، در سرتاسر دنیا به رشته‌ی تحریر درآمده است. یکی از دلایل گسترش نظریه‌ی هراس اخلاقی آن است که این نظریه بر پایه‌ی تضاد فرهنگی موجود در جوامع مدرن بنا شده است، جایی که اکثریت جامعه راه خود را از اقلیت جدا می‌کند. هراس اخلاقی جامعه را به دو دسته‌ی خودی و غیرخودی؛ ما و آن‌ها، شهروندان قانون‌مدار و منحرفین تقسیم می‌کند. نسخه‌های مدرن نظریه‌ی هراس اخلاقی به ملاحظات پست‌مدرن حقوق کیفری می‌پردازند: چه چیزی سبب می‌شود تا گروهی حق باشد و گروه دیگر باطل. گروه ذی‌نفوذ در جامعه چگونه شکل می‌گیرد و

9. Ibid.
10. Demonology.

تعاریف گروه حاکم چگونه راه را برای ایجاد هراس اخلاقی هموار می‌سازد؟ در این بین بسیاری از پژوهش‌گران به تبیین خصوصیات هراس اخلاقی پرداخته‌اند که بررسی این خصوصیات می‌تواند آموزه‌ی هراس اخلاقی و نقش رسانه‌ها در ایجاد آن را روشن‌تر نماید.

گفتار دوم: خصوصیات هراس اخلاقی

پژوهش‌گران خصوصیات متعددی را برای هراس اخلاقی ذکر کرده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) نگرانی

در هراس اخلاقی همیشه این نگرانی و دل‌مشغولی وجود دارد که رفتار یا گروه مورد نظر تاثیر منفی بر جامعه گذاشته و تهدیدی برای دیگر افراد جامعه به شمار می‌رود. این نگرانی ممکن است توسط عوامل مختلفی ایجاد شده باشد، ولی در جوامع مدرن این نگرانی اغلب از طریق رسانه‌های گروهی منعکس می‌شود. نگرانی مفهومی انتزاعی نیست، بلکه با متغیرهای مختلف قابل اثبات و نشان دادن است. به عنوان نمونه نگرانی از طریق راه‌هایی چون نظرسنجی، پوشش رسانه‌ای، پیشنهاد قانون‌گذاری، تعداد جلب و بازداشت افراد و حرکت‌های اجتماعی قابل اندازه‌گیری است. با توجه به پوشش وسیع اخبار در رسانه‌های مجازی امروزه میزان نگرانی و توجه افراد به موضوعات، از طریق میزان پوشش اینترنتی موضوع و نحوه‌ی مراجعه‌ی افراد به موتورهای جست و جوی اینترنتی به صورت عینی قابل بیان و اندازه‌گیری است. برای نمونه در خصوص هراس اخلاقی ناشی از تیراندازی در مدارس آمریکا میزان جست و جوی محل‌های ارتکاب این جرایم به خوبی بیان‌گر ایجاد نگرانی عمومی در خصوص موضوع است. در تصویر ذیر میزان نگرانی مردم از حوادث مختلف تیراندازی در مدارس با توجه به میزان جست و جوی اسامی محل‌ها در اینترنت بیان شده است. توضیح این‌که در حالی که سه روز قبل از حادثه هیچ‌کس محل وقوع مدارس را در اینترنت جست و جو نکرده است، این میزان به ناگاه در روز حادثه به

بیش‌ترین حد ممکن می‌رسد، البته این روند دیرپا نبوده و بعد از گذشت دوازده روز از حادثه جست و جوی مکان مدارس در اینترنت به سمت صفر میل می‌کند.

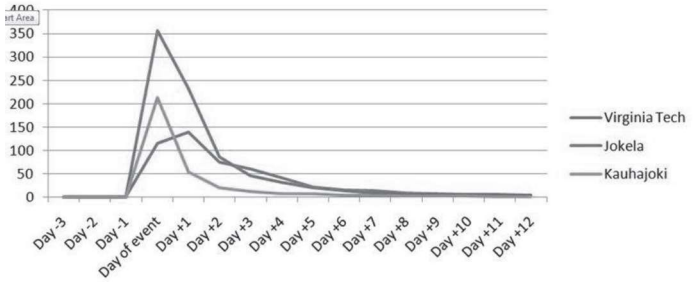

افزون براین پاسخ افراد به نگرانی به وجود آمده نیز با توجه به ابزارها و معیارهای مشابه قابل اثبات است. برای نمونه بعد از روی‌داد تیراندازی در مدارس آمریکا، پاسخ جامعه به شکل تلاش برای کنترل سلاح گرم در جامعه ظهور و بروز یافت. به عنوان نمونه بعد از وقوع حادثه‌ی تیراندازی مباحثات در فضای مجازی در خصوص کنترل سلاح گرم به شدت رو به افزایش گذاشت. البته این روند هم‌چون مورد فوق بعد از گذشت چند روز روندی نزولی به خود می‌گیرد.

این نگرانی الزاما در غالب ترس نمایان نمی‌شود، بلکه در اغلب موارد هراس اخلاقی در قالب اضطراب رُخ می‌نمایاند. ترس و اضطراب هر دو در یک امر مشترک هستند: هر دو پاسخی به یک تهدید به شمار می‌روند. اضطراب نیز با کمک متغیرهای بیرونی قابل نمایش و اثبات است. به عنوان نمونه اضطراب و نگرانی مردم آمریکا متعاقب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در قالب سخنان، احساسات، جرایم نفرت‌آلود[11]، خشونت‌های واکنشی، نوعی شوریدگی و جنون رسانه‌ای، بحث در خصوص مسببین حادثه و بالاخره

11. Hate Crimes.

محدودیت آزادی‌های مدنی نمایش داده شده است.[۱۲]

ب) خصومت

جامعه با مشکل به وجود آمده احساس هم‌دردی نمی‌کند، بلکه جبهه‌ای متشکل از *ما* علیه *آن‌ها* شکل می‌گیرد. در نتیجه، با فزونی گرفتن خصومت جامعه با رفتار یا گروه مورد نظر جماعت اهریمنی پا به عرصه‌ی وجود خواهد گذاشت. در هراس روانی آدم‌های محترم، خوب، قانون‌مند اقدام به مرزبندی با افرادی می‌کنند که منحرف، آدم‌های بد، نامطلوب و غیرخودی، مجرم و یا زیرزمینی خوانده می‌شوند.

روند خصومت با اهریمنان اخلاقی تا حد زیادی به روند برچسب زنی در جرم‌شناسی شباهت دارد. خصوصیاتی مانند سن، نژاد، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، ظاهر فیزیکی و موارد مشابه دست به دست هم می‌دهد تا تصویر و الگویی از جماعت اهریمنی در ذهن افراد جای بگیرد. بعد از تعیین ملاک‌های نوعی، هر کس که به نوعی مطابق با این الگو باشد از سوی جامعه دشمن فرض می‌شود و جامعه خصومت خود را نسبت به وی ابراز خواهد کرد.[۱۳]

ج) اجماع

برای پیدایش هراس اخلاقی ضرورتی ندارد که تمامی شهروندان یک کشور از موضوع مورد نظر در هراس باشند، ولی به هر حال، می‌باید این باور عمومی وجود داشته باشد که گروه مورد نظر تهدیدی برای جامعه محسوب می‌شود. در این مرحله انتقاد علنی و پر سروصدای کارفرمایان اخلاقی جامعه از وضع پیش‌آمده، از یک سو و ضعف و سازمان‌نایافتگی جماعت اهریمنی، از سوی دیگر به پیدایش هراس اخلاقی کمک خواهد کرد.

---

12. Welch, Michael, Scapegoats of September 11th: Hate Crime and State Crimes in the War on Terror, New Brunswick, NJ, Rutgers University Press, 2006.
13. Cohen, op.cit., pp. 11-12.

افزودنی است با پیدایش جوامع مدرن و متکثر به لحاظ اخلاقی، ممکن است مسئله‌ای در گروه مشخصی از اجتماع ایجاد هراس اخلاقی کند و در سایر بخش‌های آن تاثیری نداشته باشد. از یک سو، ممکن است همین تفاوت دیدگاه‌ها خود به نوعی از دید گروه مقابل موجب هراس اخلاقی باشد. به عنوان نمونه فمینیست‌ها و گروهی از لیبرال‌ها از سقط جنین به عنوان حق زن بر بدن خود و حق زنان برای سقط جنین بهداشتی و سلامت حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، گروه‌های مذهبی و محافظه‌کار به شدت با سقط جنین مخالفت نموده و آن را نوعی قتل به شمار می‌آورند. در این حالت باور هر گروه برای گروه دیگر می‌تواند باعث ایجاد نوعی هراس اخلاقی برای آن گروه شود.

د) پاسخ نامتناسب

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هراس اخلاقی در پاسخ جامعه نسبت به آن نهفته است، زیرا پاسخ جامعه اغلب فاقد تناسب منطقی با تهدید واقعی گروه مورد نظر است. مهم‌ترین انتقادی که به نظریه‌ی هراس اخلاقی وارد می‌شود از همین ویژگی نشات می‌گیرد. منتقدین بیان می‌کنند که تناسب مسئله‌ای نسبی و انتزاعی است و معیار مشخص و عینی برای نامتناسب بودن پاسخ جامعه به تهدید مورد نظر وجود ندارد.

این انتقاد موجه به نظر نمی‌رسد، زیرا با سنجه‌های مختلفی می‌توان به عدم تناسب پاسخ جامعه به تهدید مورد نظر پی‌برد. برای نمونه می‌توان به موارد ذیر به عنوان برخی نشانگان عدم تناسب اشاره کرد:

۱) اغراق در اعداد و ارقام

گاه طرح نادرست ارقام و اعداد در خصوص فراوانی یک رخ‌داد مجرمانه سبب ایجاد هراس اخلاقی می‌شود. چنان‌چه میزان بیان شده در خصوص یک عمل یا تعداد اعضای یک گروه فاصله‌ی زیادی با واقعیت داشته باشد می‌توان گفت که ملاک عدم تناسب محقق شده است. به عنوان نمونه، در سال ۱۹۸۲ یکی از اعضای مجلس رژیم صهیونیستی در نطق خود خبر از مصرف حشیش توسط ۵۰ درصد دانش‌آموزان مقطع دبیرستان این

کشور داد. بیان این موضوع که از سوی برخی مقامات پلیس نیز تایید شد موجی از هراس اخلاقی در جامعه ایجاد کرد. پژوهش‌های بعدی نشان داد که این میزان در واقع بیش از ده برابر میزان واقعی بوده، زیرا در تحقیق‌ها این میزان از ۳ تا ۴ درصد فراتر نمی‌رفت[۱۴].

نمونه‌ی دیگر وقوع هراس اخلاقی در آمریکا در خصوص بردگان جنسی بود. ادعا شده بود که بیش از ۵۰/۰۰۰ برده در آمریکا وجود دارد. بعد از آن‌که دولت آمریکا میلیون‌ها دلار صرف یافتن این بزه‌دیدگان ادعایی کرد، تنها سه مورد از این افراد یافت شد. تضاد بالای مطالب منتشره با واقعیت این احتمال را قوت می‌بخشد که ما با یک مورد هراس اخلاقی سر و کار داریم.

۲) ساختن اعداد و ارقام

گاه رسانه‌ها مطالبی را بیان می‌کنند که از ریشه دروغ است و هیچ ردپایی از ادعای مطرح شده در عالم واقع مشاهده نمی‌شود. در این حالت نیز می‌توان مدعی شد که معیار عدم تناسب محقق شده است. برای نمونه در آمریکا برخی از بنیادگرایان مسیحی مدعی شدند که شیطان‌پرستان اقدام به قربانی کودکان در مراسم شیطان‌پرستی خود می‌کنند و سالانه بیش از ۵۰/۰۰۰ کودک جان خود را به همین دلیل از دست می‌دهند. حال آن‌که بررسی دقیق شواهد و مدارک نشان می‌داد که حتی یک مورد نیز از ربایش و قتل کودکان توسط شیطان‌پرستان در کل آمریکا گزارش نشده بود و این موضوع از بن عاری از حقیقت

14. Nachman, Ben-Yehuda, The Politics and Morality of Deviance: Moral Panics, Drug Abuse, and Reversed Stigmatization, Albany, New York, State University of New York Press, 1990, pp. 101, 104, 106, 129, 133 - Nachman, Ben-Yehuda, “The Sociology of Moral Panics: Toward a New Synthesis”, The Sociological Quarterly, 27:4, pp. 495–513, 1986, available at: http://www.jstor.org/stable/4106341 (retrieved at 21/03/2011).

بوده است.[۱۵] با توجه به این نکته می‌توان مدعی شد که موضوع قتل کودکان توسط شیطان‌پرستان هراسی اخلاقی در بین بنیادگرایان مسیحی در آمریکا بوده است.

۳) باورپذیر کردن شایعه‌ها

گاه مطلبی که منتشر شده شایعه‌ای بیش نیست. در این موارد آمار و ارقامی منتشر نمی‌شود، ولی شایعه‌ی منتشر شده جای‌گزین واقعیت می‌شود. برای نمونه بعد از پخش فیلمی با عنوان *غزل خداحافظی*[۱۶] این شایعه رواج یافت که بازیگر زن نقش اول فیلم به واقع در هنگام فیلم‌برداری مثله و کشته شده است. بعدها مشخص شد که آن شایعه توسط تهیه‌کننده‌ی فیلم و برای فروش بیش‌تر فیلم منتشر شده است. انتشار این شایعه سبب شد تا فمینیست‌ها در مقابل سالن‌های نمایش فیلم تجمع کنند، در این بین شایعه گسترش یافت: چنین بیان شد که عده‌ای اقدام به ساختن فیلم‌های مستند در خصوص نحوه‌ی شکنجه دادن و قتل قربانیان خود می‌کنند. این مسئله به قدری رواج یافت که نام فیلم غزل خداحافظی تبدیل به ژانری مستقل در سینمای وحشت شد و این‌گونه فیلم‌ها به مرکز توجه مردم تبدیل شد[۱۷]. حال آن‌که این موضوع به کلی عاری از حقیقت بود،[۱۸] زیرا بررسی‌ها نشان داد که

15. Bromley, David G., “Satanism, The New Cult Scare”, in: James T. Richardson, Joel Best, and David G. Bromley (eds), The Satanism Scare, New York, Aldine de Gruyter, 1991, pp. 49–72-De Young, Mary, The Day Care Ritual Abuse Moral Panic, Jefferson, NC, McFarland, 2004.

16. Snuff (1976); see: http://www.imdb.com/title/tt0072184/.

17. Snuff Films; see: “Snuff films”, available at: http://en.wikipedia.org/wiki/Snuff_film (retrieved at 27/05/2011).

18. Bronstein, Carolyn, “No More Black and Blue: Women Against Violence Against Warner and the Warner Communications Boycott”, 1976–1979, Violence Against Women, 14 (April), pp. 418–36, 2008, available at: http://vaw.sagepub.com/content/14/4/418.full. pdf+html (retrieved at 07/06/2011).

در زمان مطرح شدن این شایعه حتی یک فیلم نیز با این ویژگی ساخته و پخش نشده است.

در دهه‌ی ۱۹۸۰ این شایعه مطرح شد که افراد سادیست اقدام به توزیع سیب‌های مسموم در بین کودکان در خلال جشن *هالووین* می‌کنند؛ یا آن‌که گفته می‌شد این افراد تیغی را داخل سیب جاسازی کرده و به کودکان می‌دهند. ناگفته پیداست که رواج این سخنان چه اضطرابی در دل مردم ایجاد کرده بود، حال آن‌که در واقع این موضوع شایعه‌ای دروغ بیش نبود.[۱۹]

٤) عدم توجه یکسان به دیگر مشکلات اجتماعی

گاه رسانه‌ها در بازنمایی بحران به وجود آمده دروغ نمی‌گویند، اما تمام حقیقت را نیز بیان نمی‌کنند. گاه پرداختن به موضوع مورد بحث سبب می‌شود تا رسانه‌ها به موضوعاتی که آسیب بیش‌تر یا یکسان به جامعه وارد می‌کنند توجهی نداشته باشند. به دیگر سخن، چنان‌چه پاسخ جامعه به آسیب‌های اجتماعی منطقی باشد، می‌بایست پاسخ به آسیب‌های یکسان همگن باشد و یا آسیب‌های شدیدتر، پاسخ شدیدتری را شاهد باشد. در صورت توجه بیش از اندازه‌ی جامعه به یک آسیب بالنسبه کوچک می‌توان گفت که معیار عدم تناسب در هراس اخلاقی محقق شده است. به عنوان نمونه برخی از محققین بر این باورند که زیان وارد شده به جوامع در پی مصرف مواد مخدر قانونی بسیار بیش‌تر از آسیب‌هایی است که از جانب مواد مخدر غیرقانونی متوجه جامعه می‌شود. به موجب آمارهای رسمی آمریکا، سالانه ۴۰۰/۰۰۰ نفر بر اثر مصرف سیگار و ۱۰۰/۰۰۰ نفر بر اثر

19. Brunvand, Jan Harold, The Truth Never Stands in the Way of a Good Story, Urbana University of Illinois Press, 2000 - Brunvand, Jan Harold, Encyclopedia of Urban Legends, New York, Norton, 2001 - Fine, Gary Alan, and Turner, Patricia, Whispers on the Color Line, Rumor and Race in America, Berkeley, University of California Press, 2001.

مصرف الکل جان خود را در آمریکا از دست می‌دهند؛ حال آن‌که سالانه تنها ۲۰/۰۰۰ نفر جان خود را به دلیل مصرف مواد مخدر از دست می‌دهند.[۲۰] همین مسئله دلیل خوبی است که توجه بیش از حد جامعه به مواد مخدر در ازمنه‌ی مختلف را نوعی هراس اخلاقی قلمداد کنیم. گاه حتی فراوانی یک آسیب در مقطعی از زمان کاهش می‌یابد و با وجود این کاهش واکنش اجتماعی نسبت به آن شدت می‌گیرد.

۵) تغییر پاسخ در طول زمان

چنان‌چه پاسخ به انحراف منطقی باشد، پاسخ به میزان مشخصی از آن انحراف در طول زمان می‌بایست همگن و تقریبا ثابت باشد. چنان‌چه پدیده‌ای از قبل وجود داشته باشد و پاسخ به آن ناگهان شدید شود علت را می‌توان در پیدایش هراس اخلاقی جست و جو کرد.

به عنوان نمونه، میزان تیراندازی در مدارس در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ در آمریکا روندی رو به کاهش نشان می‌دهد؛ در حالی که میزان مرگ در مدارس آمریکا (به جز خودکشی و مرگ ناشی از حوادث) در سال ۱۹۹۸، سی و پنج مورد گزارش شده، این میزان در سال ۲۰۰۱ به هشت مورد رسید. میزان قربانیان قتل در مدارس در سال ۱۹۹۳، چهل و دو مورد در سال بوده است؛ این میزان در سال ۲۰۰۱ به هشت فقره، در سال ۲۰۰۲ به دو فقره و در سال ۲۰۰۳ به چهار فقره کاهش یافته بود. ولی رسانه‌های آمریکا در آغازین سال‌های هزاره‌ی جدید از اپیدمی خشونت در مدارس سخن می‌راندند و خشونت در مدارس را به عنوان مشکلی فزاینده برای جامعه‌ی آمریکا معرفی می‌کردند. رسانه‌ها دروغی در خصوص میزان قربانیان یک واقعه‌ی خاص در مدارس نمی‌گفتند، ولی بیان نمی‌کردند که در مجموع میزان خشونت در مدارس رو به کاهش گذاشته است. این عدم تناسب در پوشش خبری یک موضوع واحد را می‌توان دلیلی بر وجود هراس اخلاقی در

20. Goode, Erich, Drugs in American Society, New York, McGraw-Hill, 7 th ed., 2008.

نظر گرفت.

۵) ناپایداری

هراس‌های اخلاقی با سوار شدن بر امواج رسانه‌ای ایجاد شده و به محض خوابیدن موج رسانه‌ای از بین خواهند رفت. گرچه هراس اخلاقی ممکن است سریع ایجاد شود، ولی پایدار نبوده و بعد از گذشت چند ماه یا چند سال از اذهان رخت برخواهد بست و جای خود را به مسائل جدیدی خواهد داد.

گفتار سوم: چگونگی ایجاد هراس اخلاقی

پرسشی که در این‌جا به ذهن خطور می‌کند آن است که هراس اخلاقی چگونه ایجاد و گسترش می‌یابد و چه گروهی از جامعه بیش‌ترین تاثیر را در ایجاد هراس اخلاقی بر جای می‌گذارد. با بازخوانی ادبیات موجود در خصوص این آموزه به سه نظریه‌ی مختلف در خصوص منشا هراس اخلاقی بر می‌خوریم. قبل از تبیین این نظرات ذکر این نکته خالی از فایده نیست که هیچ یک از این نظرات به تنهایی قادر به توجیه تمامی موارد هراس اخلاقی نیستند و هراس اخلاقی در شرایط و اماکن مختلف می‌تواند تحت تاثیر عوامل زیر یا مجموعی از آن‌ها باشد. به هر روی، بررسی این نظریات برای شکل‌دهی به الگوهای ایجاد هراس اخلاقی خالی از فایده نخواهد بود.

الف) نظریه‌ی مهندسی نخبگان

به موجب نظریه‌ی مهندسی نخبگان[۲۱] که بیش‌تر به سمت و سوی نظریات مارکسیستی و افراطی جرم‌شناسی میل دارد، نخبگان و طبقه‌ی حاکم جامعه اقدام به ایجاد و یا برجسته‌سازی تهدیدی فرضی می‌کنند تا از این طریق به منافعی خاص دست یابند و یا

21. The Elite-engineering Theory.

توجه اذهان عمومی را از ضرورت انجام برخی اصلاحات اجتماعی منحرف کنند. به موجب این نظریه، دیگر اقشار جامعه چون موم در دست طبقه‌ی حاکم نرم هستند و این طبقه با استفاده از ابزار رسانه‌های گروهی که کنترل آن‌ها را در دست دارند ذهن مردم را شست و شو و افکار آن‌ها را در جهت مورد علاقه‌ی خود سمت و سو می‌دهند. اگر قصد مقایسه‌ی این نظریه با نظریات مطرح در باب تاثیر رسانه را داشته باشیم، این نظریه داده‌های نظریه‌ی گلوله‌ی جادویی در باب تاثیر رسانه را مفروض می‌انگارد و چنین بیان می‌دارد که رسانه‌ها دارای تاثیر قطعی و نامحدود بر اذهان مخاطبان خود هستند.

گرچه این نظریه در برخی مصادیق هراس اخلاقی کاربرد دارد، اما نقش دیگر کنش-گران مستقل، تنوع رسانه‌ها و انتخاب آزاد مخاطبان در انتخاب رسانه‌ها را نادیده می‌انگارد. نقد دیگری که بر این نظریه وارد است آن است که در برخی موارد هراس اخلاقی بر خلاف منافع طبقه‌ی حاکم است و در این‌گونه موارد نمی‌توان مدعی شد که طبقه‌ی حاکم علیه خود اقدام کرده است.

یکی از نمونه‌هایی که طرف‌داران نظریه‌ی مهندسی نخبگان طرح می‌کردند، برنامه‌ی مبارزه با موارد مخدر بود که توسط *ریگان* رییس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۸۶ مطرح شد و سبب شد تا مبارزه با مواد مخدر جزو اولویت‌های نخست مردم آمریکا در سال‌های پایانی دهه‌ی هشتاد به شمار رود. *ریگان* در سخنرانی‌های خود مواد مخدر را دشمنی خانمان برانداز و مغایر با امنیت ملی شهروندان آمریکا معرفی می‌کرد. بسیاری از مردم آمریکا تحت تاثیر مهندسی افکارِ اعمال شده توسط حاکمان، مواد مخدر را جزو اولویت‌های نخستین خود به شمار می‌آوردند. به موجب نظرسنجی انجام شده توسط دو خبرگزاری مهم آمریکا[۲۲] بیش از دو سوم شهروندان آمریکایی در آن سال‌ها مواد مخدر را مهم‌ترین چالش فراروی جامعه‌ی آمریکا قلمداد می‌کردند.[۲۳]

22. New York Times/CBS News.
23. Goode, op.cit., p. 116.

در پاسخ، منتقدین معتقدند که این امر را باید در پیش‌زمینه‌ی ذهنی مردم در آن زمان، از یک سو و نفوذ کلام و مقبولیت *ریگان*، از سوی دیگر ارزیابی کرد. دلیل این موضوع آن است که رییس جمهور بعدی آمریکا –*بوش* پدر– با وجود تلاشی که به عمل آورد نتوانست مواد مخدر را هم‌چنان به عنوان اولویت اول امنیتی در آمریکا مطرح کند و هراس اخلاقی به وجود آمده در دوران *ریگان* به ناگاه فروکش کرد. این مسئله تا بدان‌جا پیش‌رفت که در مبارزات انتخاباتی میان *کلینتون* و *بوش* در سال ۱۹۹۲ هیچ یک از طرفین به موضوع مواد مخدر اشاره‌ای نمی‌کردند. در واقع، به موجب نظرسنجی به عمل آمده در این سال تنها شش درصد شهروندان آمریکایی موضوع مواد مخدر را به عنوان یکی از مشکلات عمده‌ی آمریکا مطرح می‌کردند.[۲۴]

نمونه‌ی دیگری که *استوارت هال* در کتاب معروف خود[۲۵] اشاره می‌کند پیدایش هراس اخلاقی در خصوص جرایم خیابانی و زورگیری در انگلستان در خلال دهه‌ی ۱۹۷۰ بود. بنا به آن‌چه *هال* بیان نموده، با وجود کاهش آمار جرایم خیابانی، این جرایم به عنوان اولویت نخست در جامعه‌ی انگلستان مطرح شد. به نظر *هال* ایجاد هراس اخلاقی از جرایم خیابانی به نفع قوای حاکم تمام می‌شد: از یک سو، آن‌ها حمایت لازم برای اجرای سیاست‌های نظم و قانون را می‌یافتند و از سوی دیگر توجه مردم را از مشکلات بزرگ فراروی جامعه‌ی انگلستان منحرف می‌کردند. در آن روزگار جامعه‌ی انگلستان با بحران-های شدید اقتصادی سر و پنجه نرم می‌کرد و طرح این مشکلات واهی سبب می‌شد تا توجه مردم از مشکلات اصلی منحرف شده و منافع قدرت حاکم به خطر نیافتد.[۲۶] در مقابل منتقدین بر این باور هستند که در دوران یادشده در پژوهش *هال*، میزان جرایم خیابانی به

24. Ibid., p. 438.
25. Hall, Stuart et al., Policing the Crisis, Mugging, the State, and Law and Order, London, Macmillan, 1978.
26. Ibid., p. viii.

واقع رو به افزایش گذاشته بود و جرایم خیابانی واقعا تهدیدی برای شهروندان انگلیسی به شمار می‌رفت.[۲۷]

ب) نظریه‌ی عوام‌گرایی

به موجب نظریه‌ی عوام‌گرایی، هراس اخلاقی ریشه در بطن جامعه دارد و از بدنه‌ی مردم نشات می‌گیرد. بر اساس این نظریه قوای حاکم و یا رسانه‌ها نمی‌توانند بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای در مردم ایجاد هراس اخلاقی کنند. پیش‌زمینه‌ی هراس می‌بایست در درون مردم وجود داشته باشد تا برجسته‌سازی رسانه‌ای یا رخ‌داد واقعه‌ای خاص بتواند هراس اخلاقی را دامن بزند. اگر در مقام تشبیه برآییم، باورها، هنجارها و عقاید مردم به چوبی خشک می‌ماند و پوشش رسانه‌ای هم‌چون کبریتی است که به این دسته هیزم خشک می‌خورد و در زمانی کوتاه آن را به آتش می‌کشد.

افزودنی است که زمینه‌ی هراس اخلاقی لازم نیست که در تمام مردم وجود داشته باشد، واقعیت آن است که هراس اخلاقی معمولا تنها بخشی از گروه‌های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عنوان نمونه هراس اجتماعی ممکن است گروه‌های مذهبی، جوامع روستایی، فمینیست‌ها و یا همجنس‌گرایان را هدف قرار دهد. در این موارد وجود زمینه در گروه هدف برای ایجاد هراس اخلاقی کافی است و ضرورتی ندارد که زمینه‌ی مزبور در میان تمامی افراد آن جامعه به شکلی یکسان وجود داشته باشد.

به عنوان نمونه، در سال ۱۹۶۹ در شهر *اورلئان* (فرانسه) شایعه‌ای گسترده مبنی بر ربایش زنان به قصد بردگی جنسی در جامعه مطرح شد، حال آن‌که هیچ دلیلی بر صدق این مدعا وجود نداشت. این شایعه ترس و نگرانی گسترده‌ای در دل مردم ایجاد می‌کرد. از سوی دیگر، انتشار این شایعه به هیچ روی در راستای منافع هیچ‌یک از سیاست‌مداران و

27. Waddington, P.A.J., “Mugging as a Moral Panic: A Question of Proportion”, British Journal of Sociology, 37 (June), pp. 245–59, 1986, available at: http://www.jstor.org/stable/590356 (retrieved at 12/06/2011).

دیگر افراد ذی‌نفوذ در جامعه نبود، هیچ یک از گروه‌های فشار در اجتماع از انتشار چنین شایعه‌ای نفع نمی‌بردند. این شایعه دهن به دهن در میان مردم گشته و فراگیر شده بود.

به دیگر سخن، هراس اخلاقی نوعا متضمن احساسات عوام‌گرایانه است. در واقع، در موارد بروز هراس اخلاقی عوام‌گرایانه، منشا هراس روانی تهدیدی است که اکثر مردم از لایه‌های قوی و نیرومند دولت احساس می‌کنند. به نظر مردم دولت از چنان قدرت پنهان و زیادی برخوردار است که به راحتی می‌تواند به اقشار پایین و زحمتکش جامعه صدمه وارد کند. در اذهان مردم دولت قادر به انجام هر توطئه‌ای هست: در بستر این اندیشه است که توهم توطئه جان می‌گیرد و در اذهان مردم عمومی رشد می‌یابد. از دید مردم، طبقه‌ی بالای جامعه به قدری قدرت دارد که حتی می‌تواند شایعه‌ها را نیز به میل خود تغییر دهد.

به عنوان یکی از نمونه‌های انتشار توهم توطئه در میان افراد طبقه‌ی پایین، می‌توان به شایعه‌ی پخش مواد مخدر توسط عوامل سازمان سیا و اف.بی.آی. در بین سیاه‌پوستان آمریکایی به قصد ایجاد فساد اخلاقی و از بین بردن تدریجی آن‌ها اشاره کرد. علت مقبولیت این داستان در سال‌های نخستین دهه‌ی ۱۹۹۰ آن بود که آدم بدهای ماجرا ثروتمند، قوی و البته سفیدپوست بودند. افزون بر این، داستان‌های مبتنی بر نزاع دو نژاد ریشه در مسائل تاریخی و تجارب منتقل شده از نسل‌های پیشین بود. از یک سو، به لحاظ تاریخی سیاه‌پوستان آمریکا آسیب‌های زیادی را به دلیل تبعیض نژادی از جانب سفیدپوستان حاکم متحمل شده بودند و همین مسئله کافی بود تا به راحتی شایعه‌ی پخش مواد مخدر در میان سیاه‌پوستان باورپذیر شود. از سوی دیگر باور به چنین شایعه‌ای کاملا در تعارض با منافع طبقه‌ی حاکم قرار داشت و بنابراین، هراس اخلاقی حاصل از این شایعه را می‌توان با نظریه‌ی عوام‌گرایی کیفری توجیه کرد.

افزودنی است تعارض میان دو نژاد به راحتی می‌تواند سبب هراس اخلاقی شود. برای نمونه در ایران، شاهد موارد متعددی از هراس اخلاقی از جرایم مهاجرین افغان بوده‌ایم. در بسیاری موارد جرایمی به مهاجرین افغان نسبت داده شده که فاقد صحت بوده و همین نسبت نادرست سبب ایجاد هراس اخلاقی و ارتکاب جنایات متعدد علیه افغانی‌ها شده

است. به عنوان نمونه می‌توان به مورد غلامرضا خوش‌رو معروف به خفاش شب اشاره کرد.

غلامرضا خوش‌رو معروف به خفاش شب از معروف‌ترین قاتلان زنجیره‌ای ایران بوده است. وی قتل‌های زنجیره‌ای خود را که همراه با سرقت و تجاوز جنسی بود از سال ۱۳۷۱ در تهران آغاز کرد. یک‌بار در سال ۱۳۷۱ دستگیر شد ولی از چنگ ماموران گریخت و در بار دوم در سال ۱۳۷۶ دستگیر و به اتهام نه فقره قتل اعدام شد.[۲۸] در ابتدا هویت غلامرضا خوش‌رو مشخص نبود. به‌خاطر همین هم در مطبوعات به او لقب خفاش شب داده بودند. با وجود این‌که پلیس ایران هیچ سرنخی از هویت غلامرضا خوش‌رو به دست نیاورده بود رییس وقت پلیس تهران در برنامه‌ای تلویزیونی که از شبکه‌ی تهران پخش می‌شد صراحتا و تنها با تکیه بر چهره‌ی غلامرضا خوش‌رو او را از اتباع افغانستان معرفی کرد[۲۹]. اما بعدا با چاپ تصاویر وی در روزنامه‌ی ایران، یکی از بستگان غلامرضا خوشرو او را شناسایی کرد و کپی شناسنامه‌ی او را در اختیار روزنامه‌ی ایران قرار داد و به این شکل هویت اصلی خفاش شب شناسایی شد[۳۰].

پس از معرفی خفاش شب به عنوان یک افغانی، جو افغانی‌ستیزی خیلی داغی به وجود آمد و مردم خشمگین اقدام به حمله به دیگر افغانی‌های مقیم ایران نمودند، به گونه‌ای که موارد متعددی از ضرب و جرح این افراد به ثبت رسید و شایعاتی نیز از قتل چند

---

۲۸. روزنامه‌ی همشهری، "دومین جلسه محاکمه قاتل نه زن و دختر تهرانی"، پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۷۶، سال پنجم، شماره‌ی ۱۳۱۷، قابل دسترسی در:
http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1376/760505/havad76.htm (retrieved at 12/06/2011).

۲۹. ویکی‌پدیا، "غلامرضا خوش‌رو"، قابل دسترسی در:
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%BA%D9%84%D8%A7%D9%85%D8%B1%D8%B6%D8%A7_%D8%AE%D9%88%D8%B4%D8%B1%D9%88

۳۰. روزنامه‌ی همشهری، پیشین.

افغانی و بریدن سر سه افغانی در پاسخ به این اقدام در رسانه‌ها مطرح شد[۳۱]. به هر حال گرچه تلویزیون و بعد از آن سایر رسانه‌ها اقدام به انتشار نخستین این شایعه کردند، اما وجود باور عمومی مبنی بر مشکل‌خیز بودن و جرم‌زا بودن حضور افغانی‌ها در ایران که نوعا از وضع اقتصادی خوبی نیز برخوردار نبودند، در باورپذیری این شایعه و هم‌چنین شدت بخشیدن به پاسخ مردم به این هراس اخلاقی کاملا موثر بود.

گرچه با مشخص شدن هویت واقعی خفاش شب این هراس اخلاقی فروکش کرد، اما این مسئله با انتشار اخبار راست و دروغ پیرامون جرایم ارتکابی توسط افغانی‌ها بار دیگر ظهور و بروز می‌یابد. در یکی از این موارد در سال ۱۳۸۶ فیلم نود ثانیه‌ای تجاوز شش مرد به یک دختر ایرانی در منطقه‌ی قرچک ورامین منتشر شد. در این فیلم دختر هیجده ساله‌ی ایرانی با چشمان اشک آلود از مردان تقاضا می‌کند تا از تجاوز به او خودداری کنند.

پس از پخش این فیلم بلافاصله شایعاتی در ایران پخش شد که تجاوزگران افغان‌های مهاجر در ایران بوده‌اند. بعد از پخش این شایعه موارد متعددی از ضرب و شتم اتباع افغان در این مناطق در خبرگزاری‌های ایران منتشر شد. پیرو همین مسئله بسیاری از افراد در پایگاه‌های اینترنتی دعوت به برگزاری تجمع اعتراض‌آمیز در مقابل سفارت افغانستان کردند[۳۲]. این همه در حالی بود که مسئولان محلی دست داشتن مهاجرین افغان در این جنایت را به کلی رد کردند.[۳۳]

دو مورد فوق به خوبی بیان‌گر این نکته است که هراس‌های اخلاقی اغلب بر پایه‌ی

---

۳۱. گنجه‌ای، علی، خاطرات ما و خفاش شب‌های تهران!، ۱۹ دی ماه ۱۳۸۶، قابل دسترسی در:
http://www.ganjei.com/1386/10/19/khoffash-shab/ (retrieved at 26/05/2011).

۳۲. مرتضی، صالحی، در پی تجاوز وحشیانه ۶ افغانی به یک دختر ایرانی، ۷ آذر ۱۳۸۶، قال دسترسی در:
http://www.khabaronline.ir/default.aspx (retrieved at 11/06/2011).

۳۳. پایگاه اطلاع رسانی استان گلستان، "واکنش روزنامه‌ی افغانی در مورد خبر تجاوز به دختر ایرانی"، هشتم آبان ۱۳۸۶، قابل دسترسی در:
http://www.egolestan.com/item2355,,3.html (retrieved at 26/05/2011).

باورها و نگرانی‌هانی عمومی بنا می‌شود و اقدامات مقامات و یا پوشش‌های رسانه‌ای به این نگرانی‌ها دامن زاده و هم‌چون *کاتالیزور* در ایجاد هراس اخلاقی عمل می‌کند، نه این‌که هراسی را بدون وجود زمینه‌ی قبلی در اذهان مردم به وجود آورند.

یکی دیگر از ابعاد عوام‌گرایی کیفری توجه ویژه به پوشش خبری جرایم ارتکابی از سوی مجرمان یقه‌سفید است. گرچه جرایم طبقه‌ی حاکم در مقایسه با طبقه‌ی متوسط و پایین جامعه به ندرت در رسانه‌ها مطرح می‌شود، اما همان موارد نادر به شدت مورد توجه عموم قرار می‌گیرد. صرف‌نظر از عامل شهرت در ایجاد برجسته‌سازی رسانه‌ای، پوشش رسانه‌ای رسوایی‌های اخلاقی و مالی طبقه‌ی حاکم برای مردم عادی جذاب است، زیرا این نوید را به آن‌ها می‌دهد که طبقه‌ی حاکم نیز آن‌چنان که آن‌ها فکر می‌کنند عالی و برتر نیستند، آن‌ها نیز چون سایر مردم ایراد دارند و از همه‌ی این‌ها گذشته شمشیر عدالت و انتقام گرچه به ندرت، ولی به هر حال در موارد خاص دامن قدرت‌مندان را نیز می‌گیرد. در این میان نقل قول از یکی از افسران پلیس انگلستان خالی از فایده نخواهد بود. وی در جریان یک رسوایی اخلاقی در خصوص روسپیانِ مردِ پایین‌تر از سن قانونی بیان کرد: " مردم دوست دارند کودک آزاران جنسی قاضی یا سیاست‌مداران باشند".[۳۴]

در همین رابطه می‌توان به فراوانی شایعات در خصوص محصولات و برندهای مهم تجاری اشاره کرد. این باور عمومی در میان مردم طبقه‌ی پایین وجود دارد که شرکت‌های بزرگ تجاری تنها به منافع خود می‌اندیشند و از افزودن مواد مضر به محصولات خود برای کسب سود بیش‌تر هیچ ابایی ندارند.[۳۵] همین زمینه گاه سبب می‌شود تا شایعات مطرح شده در خصوص برخی محصولات در میان مردم پا بگیرد و مواردی از هراس اخلاقی را سبب

34. Jenkins, Philip, Intimate Enemies, Moral Panics in Contemporary Britain, New York, Aldine de Gruyter, 1992, p. 201.

۳۵. رک. یحیایی ایله‌ای، احمد، "شایعه شاخص‌ترین بحران اجتماعی (شایعه، انواع شایعه و مدیریت شایعه)"، مجله‌ی روابط عمومی، خرداد ۱۳۸۶، شماره‌ی ۵۱، صص. ۲۳-۱۴.

شود. به عنوان نمونه، می‌توان به شایعه‌ی وجود موش در نوشابه‌ی کوکاکولا، تخم عنکبوت در نوعی آدامس، محرک جنسی در نوعی شکلات، کرم‌خاکی در همبرگر *مک‌دونالد*، وجود ماده‌ای شیمیایی در نوعی لباس زیر که باعث عقیم شدن مردان می‌شود و... اشاره کرد.[۳۶] چنین مواردی به وفور در ایران نیز مشاهده شده است. به عنوان نمونه می‌توان به شایعه‌ی وجود آرسنیک در برنج‌های وارداتی[۳۷]، نیترات در برخی انواع آب‌معدنی[۳۸] و مارمولک در نوعی کالباس[۳۹] اشاره کرد. برخی از محققین ترس مردم از شرکت‌های بزرگ تجاری و هراس اخلاقی حاصل از آن را پدیده‌ی "تاثیر جالوت[۴۰]" نام گذاشته‌اند.

ج) نظریه‌ی گروه‌های ذی‌نفوذ

یکی از نظریات معروف در باب علت ایجاد هراس اخلاقی نظریه‌ی گروه‌های ذی-

---

36. Jenkins, op. cit., pp. 141-163.

۳۷. جهان نیوز، "برنج مسموم به‌صورت قاچاق وارد شده/مقصر نیستیم"، ۳۱ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در:

http://www.jahannews.com/vdccexqe.2bqm08laa2.html (retrieved at 26/05/2011).

۳۸. تابناک، "تولید آب معدنی متوقف می‌شود"، ۹ مرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=111527 (retrieved at 26/05/2011).

۳۹. تابناک، "کالباس مارمولک در شیراز!"، ۱۵ شهریور ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:

http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=118363 (retrieved at 26/05/2011).

۴۰. جالوت کنایه از فرد قوی و ذی‌نفوذ اما فاسدی است که توسط مردم عادی شکست می‌خورد. حسب روایات تاریخی و نقل از انجیل و قرآن جالوت نام پادشاه جبّار و سرکش دوران حضرت داود (ع) است. وی حاکم فلسطین و بسیار قوی هیکل و شجاع بود. طالوت به فرمان حضرت داود در جنگ نابرابر جالوت را به قتل رساند. برای مطالعه‌ی بیش‌تر رک.

Álvarez, Roberto and Claro, Sebastián, “David Versus Goliath: The Impact of Chinese Competition on Developing Countries”, Central Bank of Chile, Working Papers, N° 478, August 2008, available at: http://www.bcentral.cl/eng/stdpub/studies/workingpaper (retrieved at 26/05/2011).

نفوذ است که از مهم‌ترین طرف‌داران آن می‌توان *هووارد بکر*[۴۱] را نام برد. به موجب این نظریه کارفرمایان اخلاقی و قاعده‌سازان جامعه گاه به قصد تضمین اجرای برخی عرف‌ها و هنجارها به دست خود جنگ اخلاقی بر پا می‌کنند؛ جنگ‌هایی که گاه به هراس اخلاقی منجر می‌شود.[۴۲] شایان ذکر است که اغلب نظریات مرتبط با گروه‌های ذی‌نفوذ با نظریه‌ی عوام‌گرایی کیفری که پیش از این مطرح شد قابل جمع هستند. به موجب این نظریه پس از طرح یک موضوع توسط یک گروه ذی‌نفوذ، مردم عادی نیز گاه آن مسئله را مهم پنداشته و موضوع تبدیل به نگرانی عمومی جامعه و نه تنها آن گروه خاص می‌شود. اما، نظریه‌ی گروه‌های ذی‌نفوذ چندان با نظریه‌ی مهندسی نخبگان قابل جمع نیست. به موجب این نظریه هراس اخلاقی بیش‌تر به لایه‌های میانی قدرت مرتبط است تا به حکام و قدرت‌های برتر جامعه.

به موجب این نظریه گروه‌هایی مانند مجامع صنفی، اعضای مختلف پلیس، بخشی از رسانه‌ها، گروه‌های مذهبی، سازمان‌های آموزشی و مانند آن ممکن است به دنبال منافع خاص خود باشند و امور مرتبط با اهداف خود را برجسته کنند. این گروه‌ها به دنبال آن هستند تا با ایجاد هراس اخلاقی به اهداف خود دست یابند؛ برای نمونه پوشش خبری موضوعات مورد علاقه‌ی خود را گسترش دهند، توجه قانون‌گذار را جلب کنند، تقاضای اعمال دقیق قانون را داشته باشند و یا دوره‌ی تحصیلی جدیدی را بنا بگذارند. منافع مورد نظر این گروه‌ها در اکثر موارد در مغایرت با منافع طبقه‌ی حاکم قرار می‌گیرد و در صورت عدم مغایرت نیز نوعا از اولویت‌های طبقه‌ی حاکم به شمار نمی‌رود. به هر روی، گروه‌های ذی‌نفوذ برآنند تا سوار بر امواج رسانه‌ایِ بر آمده از هراس اخلاقی، حکم‌رانان را به دنبال خود کشانده و آن‌ها را وادار به تبعیت از منویات خود کنند. به دیگر سخن، به موجب این نظریه، منافع مورد تعقیب گروه‌های ذی‌نفوذ طبقه‌ی متوسط الزاما توسط طبقه‌ی حاکم انشا

41. Howard Becker.

42. Becker, op.cit., pp. 146–163.

نمی‌شود، بلکه این گروه‌ها در تعیین اهداف و اولویت‌های خود از استقلالی نسبی از طبقه-ی حاکم برخوردارند.

به موجب این نظریه برای درک این‌که یک هراس اخلاقی برگرفته از کدام گروه ذی‌نفوذ است باید به دنبال پاسخ این پرسش بود که کدام گروه از ایجاد هراس اخلاقی نفع می‌برد، کدام گروه است که از معرفی شدن موضوع مورد بحث به عنوان تهدیدی جدی علیه جامعه سود می‌برد؟

منافعی که گروه‌های ذی‌نفع به دنبال آن‌ها هستند معمولا به دو دسته‌ی مادی و ایدئولوژیکی/اخلاقی تقسیم می‌شود؛ البته این تقسیم‌بندی دقیق نیست و اهداف تعقیبی توسط یک گروه می‌تواند واجد هر دو جنبه باشد. به عنوان نمونه، در دهه‌ی ۱۹۸۰ مددکاران اجتماعی در انگلستان از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار نبودند. به موجب نظرسنجی‌های به عمل آمده مددکاران اجتماعی در پایین هرم شان حرفه‌ای قرار داشتند و کسی اهمیتی به کار آن‌ها نمی‌داد. بنابراین، این گروه دست به کار شد: میزان موارد کودک آزاری به عنوان تهدیدی برای جامعه مطرح شد و توجه جامعه به این موضوع سبب شد تا نیاز به اختصاص منابع مالی و انسانی بیش‌تر به این حوزه مطرح شود. جذب این منابع به معنای گسترش کار مددکاران اجتماعی بود. افزایش تعداد مددکاران، افزایش موارد کشف شده‌ی کودک آزاری را به دنبال داشت. افزایش موارد کودک‌آزاری سبب می‌شد تا هراس اخلاقی پدید آمده هم‌چنان پابرجا بماند و جایگاه مددکاران اجتماعی در اذهان مردم بهبود یابد. به دنبال این هراس اخلاقی تعداد مددکاران اجتماعی در انگلستان به بیش‌ترین میزان خود در طول تاریخ رسید. به هر حال، گرچه ایجاد این هراس اخلاقی وضعیت مادی مددکاران اجتماعی را بهبود بخشید، اما این مسئله بدین معنا نبود که آن‌ها به آن‌چه در خصوص لزوم مقابله با کودک‌آزاری می‌گفتند معتقد نباشند.[۴۳]

43. Jenkins, op. cit., p. 201.

گفتار چهارم: بازخوانی نقش رسانه در ایجاد هراس اخلاقی

در ایجاد هراس اخلاقی، رسانه‌ها به عنوان بخش مهمی از گروه‌های ذی‌نفوذ اجتماعی نقشی انکارنشدنی دارند. در این خصوص نظریات مختلفی درباره‌ی نقش رسانه بیان شده که در مقام تحلیل قبول یا رد هر یک از آن‌ها در گام نخست بستگی به آموزه‌ی اتخاذی در باب تاثیر رسانه دارد. در گام بعد نیز نباید از خاطر برد که اکثر این نظرات در باب تاثیر رسانه موید ایجاد هراس اخلاقی برگرفته از نظریه‌ی گروه‌های ذی‌نفع است.

یکی از نظرات مطرح در این زمینه، الگوی خُرده‌فرهنگ حرفه‌ای[۴۴] است که بیان می‌دارد، مطالب و اطلاعات رسانه‌ها توسط گروه‌های ذینفع از طبقه‌ی متوسط جامعه معین می‌شود. مهم‌ترین گروه ذینفع در این میان خبرنگاران و اصحاب رسانه هستند. افزودنی است که این نظریه بیش‌تر در پی تبیین محتوای رسانه‌های خبری است و این نظریه کاربردی در خصوص رسانه‌هایی که صرفا به دنبال ایجاد سرگرمی هستند نخواهد داشت. به موجب این نظریه تولید اخبار روزنانه بر پایه‌ی هنجارها، رویه‌ها، انتظارات، استانداردها و اخلاق حرفه‌ای حاکم بر رسانه‌ها صورت می‌گیرد. در این میان پژوهش‌گران به چهار هنجار مهم در نحوه‌ی بازنمایی وقایع در رسانه‌ها اشاره می‌کنند: راستی آزمایی داستان با استفاده از یک یا چند منبع موثق؛ دقت در انتشار خبر؛ وجود علایق انسانی در مورد خبر؛ و توجه به مخاطبان خبر. از میان این چهار هنجار، رسانه‌های معتبر بیش‌تر به دو هنجار نخست توجه نشان می‌دهند. به دیگر سخن در رسانه‌های معتبر راستی‌آزمایی و دقت در انتشار خبر در اولویت قرار دارد و به همین دلیل مطالب این رسانه‌ها کم‌تر با احساس آدمی سر و کار دارد. اما رسانه‌های زرد در تولید خبر بیش‌تر به احساسات انسانی و مخاطب توجه دارند[۴۵].

به هر حال از خاطر نباید برد که هراس اخلاقی مدت‌ها قبل از پیدایش رسانه‌های

44. Professional-subculture Model.

45. Melvin, Mencher, News Reporting and Writing, Madison, WI: Brown & Benchmark, 7th ed., 1997, pp. 34, 51, 66–67.

گروهی وجود داشته است. قرن‌ها قبل، زمانی که جامعه‌ی انسانی دارای سامانی نسبی شد، هراس‌های روانی در قالب شایعه، خبر و افسانه سینه به سینه و دهان به دهان در میان مردم منتشر می‌شد. حتی امروزه نیز برخی موارد هراس اخلاقی تنها بر اساس شنیده‌های مردم از یکدیگر شکل می‌گیرد و رسانه‌های گروهی نقشی در ایجاد هراس اخلاقی ندارند. اما در اغلب موارد هراس اخلاقی از رسانه‌های گروهی به عنوان وسیله‌ی انتقال پیام‌ها بهره می‌جوید. رسانه‌های گروهی به خوبی قادرند تا وظیفه‌ی برجسته‌سازی موضوع مورد نظر را به انجام برسانند، زیرا در آنِ واحد مخاطبان زیادی را هدف می‌گیرند.

افزودنی است که توجه رسانه‌ها به موضوعات هراس اخلاقی خود یکی از انواع هراس اخلاقی محسوب می‌شود. به دیگر سخن، همان‌گونه که در هنگام بحث از ویژگی‌های هراس اخلاقی سخن از آن رفت، لازم نیست که هراس اخلاقی در بین تمام گروه‌های اجتماعی وجود داشته باشد. هراس اخلاقی مفهومی نسبی است و لذا ممکن است نگرانی حاصل از هراس اخلاقی در کل جامعه یا تنها بخش‌های خاصی از جامعه نمایان شود. وقتی رسانه‌ها نگرانی خود را نسبت به یکی از موضوعات اجتماعی بیان می‌دارند (در صورت وجود شرایط دیگر هم‌چون عدم تناسب و...) بدین معنا است که هراسی اخلاقی نسبت به آن موضوع لااقل در بین رسانه‌های گروهی جامعه رُخ داده است. از سوی دیگر، رسانه‌ها تاثیر سایر کنش‌گران هراس اخلاقی مانند کارفرمایان اخلاقی، نگرانی و خصومت مردم، قانون‌گذاران و گروه‌های فشار را نیز تشدید می‌کنند.

در بادی امر ممکن است چنین تصور شود که رسانه‌های مختلف تاثیری هم‌گون بر هراس اخلاقی باقی می‌گذارند، اما رسانه‌ها به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که هر یک بسته به موضوع، نوع و دامنه‌ی مخاطب تاثیری متفاوت بر هراس اخلاقی باقی می‌گذارند. رسانه‌ها را می‌توان به هشت نوع مختلف تقسیم کرد: تلویزیون، رادیو، فیلم و دی.وی.دی، موسیقی (اغلب از طریق سی.دی)، روزنامه، کتاب، مجلات و بالاخره اینترنت. گرچه بر

تمام این موارد عنوان گروهی[۴۶] اطلاق می‌شود، اما واقعیت آن است که ویژگی گروهی بودن این رسانه‌ها کاملا نسبی و متغیر است.

توضیح آن‌که واژه‌ی گروهی در عنوان رسانه‌های گروهی به معنای داشتن مخاطب زیاد است، اما تعداد مخاطبان هر رسانه با رسانه‌ی دیگر کاملا متفاوت است. از یک سو، اکثر رسانه‌های موجود معمولا در انتقال پیام به مخاطب موفق هستند و به صورت فعال در تعامل دو سویه با مخاطب قرار ندارند، گرچه این تعامل به صورت غیرمستقیم خود را در نحوه‌ی عملکرد رسانه‌ها نشان می‌دهد. به عنوان نمونه میزان فروش یک کتاب بیان‌گر پاسخ غیرمستقیم مخاطبان به پیام نهفته در کتاب است. شبکه‌های تلویزیونی نیز با انجام نظرسنجی‌های مختلف سعی دارند تا میزان رضایت مخاطبان از برنامه‌های پخش شده را اندازه‌گیری نمایند. از سوی دیگر برخی از رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون و روزنامه اقدام به پخش و انتشار آگهی‌های بازگانی می‌کنند. رسانه‌ها با انجام پژوهش‌های میدانی به دنبال یافتن عمق نفوذ و میزان اثربخشی این آگهی‌ها هستند.

افزودنی است که رسانه‌ها در عصر حاضر بسیار متنوع و گسترده شده‌اند، به گونه‌ای که کم‌تر رسانه‌ای را می‌توان یافت که شکل سنتی رسانه‌های عمومی را حفظ کرده باشد. امروزه شاهد پیدایش رسانه‌های تخصصی هستیم: رسانه‌ای برای اخبار اقتصادی، رسانه‌ای برای فیلم، رسانه‌ای برای مستند، رسانه‌ای برای برنامه‌ی کودک و... . هر رسانه بسته به اهداف خود تنها بخش خاصی از مخاطبان هر جامعه را هدف می‌گیرد و با توجه به نیازهای مخاطبان خود اقدام به برنامه‌سازی و تنظیم جدول پخش می‌کند. همین امر سبب می‌شود که موارد هراس اخلاقی به گونه‌ای هم‌گون در رسانه‌های مختلف بازنمایی نشود. بسته به جایگاه رسانه و تعلق آن به گروهی خاص در جامعه موضع‌گیری رسانه در قبال هراس اخلاقی و میزان پوشش خبری آن متفاوت خواهد بود.

46. Mass.

آموزه‌ی هراس اخلاقی به لحاظ ماهوی با بی‌طرف بودن رسانه مغایر است. در هراس اخلاقی اغراق، بیان نگرانی و پاسخ نامتناسب نهفته است که این همه با بی‌طرف بودن رسانه‌ها هم‌خوان نیست. واقعیت آن است که در دنیای حاضر نمی‌توان سخن از رسانه‌ی مستقل به میان آورد. هر رسانه بر پایه‌ی نوعی جهان‌بینی، هنجار و طرز تفکر بنا شده است که همین فرضیات است که به برجسته‌سازی خبر و گزینش‌گری خبر در آن رسانه سمت و سو می‌دهد. این امر بدان معنی نیست که آن‌چه رسانه‌ها بیان می‌کنند دروغ است، بلکه بدین معنی است که رسانه‌ها اقدام به گزینش اخبار و داده‌هایی می‌کنند که با اهداف و زمینه‌ی کاری ایشان مطابقت داشته باشد. این امر حتی در رسانه‌هایی مانند فیلم و سینما که به بیان مسائل ساختگی و فانتزی می‌پردازند نیز صادق است. فیلم‌ساز با ساخت فیلم هنجارها و باورهای گروهی را که از آن برآمده به نمایش می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های هراس اخلاقی که در بالا بیان شد ناپایداری آن است. هراس اخلاقی سوار بر امواج رسانه‌ای می‌آید و دیر یا زود فروکش می‌کند، اما آیا این بدان معنی است که هراس اخلاقی تاثیری در اجتماع باقی نمی‌گذارد؟

پژوهش‌گران بیش‌تر به نحوه‌ی ایجاد و عوامل موثر در ایجاد هراس اخلاقی توجه کرده‌اند، و کم‌تر به موضوع تاثیرات احتمالی هراس اخلاقی بر جامعه توجه نشان داده‌اند. در بادی امر ممکن است چنین به نظر برسد که هراس اخلاقی موجی از احساسات زودگذر انسانی را سبب می‌شود که به مرور زمان فروکش کرده و تاثیر بلندمدتی از خود برجای نمی‌گذارد. بررسی این موضوع را باید در دو پرسش خاص پی‌گرفت. نخست آن‌که، آیا هراس اخلاقی بر نهادهای اجتماعی جامعه موثر می‌افتد؟ به دیگر سخن آیا هراس اخلاقی میراثی در قالب قانون، موسسات، گروه‌ها، جنبش‌ها و دیگران بر جای می‌گذارد؟ پرسش بعدی آن است که آیا هراس اخلاقی می‌تواند بر ساختار غیررسمی هنجاری و اخلاقی در یک جامعه تاثیر بگذارد؟

در پاسخ به پرسش نخست باید به ماهیت نسبی هراس اخلاقی توجه کرد. در برخی موارد هراس اخلاقی می‌آید و می‌رود، بی آن‌که تاثیری بر نهادهای اجتماعی برجا بگذارد. اما در مواردی که میزان نگرانی جامعه بیش‌تر بوده و سطح وسیعی از جامعه درگیر هراس اخلاقی شده‌اند، احتمال تاثیر هراس اخلاقی در نهادهایی چون قانون‌گذاری فزونی می‌یابد.

در پاسخ به پرسش دوم در خصوص تاثیر هراس اخلاقی بر نظام هنجاری جامعه بد نیست که به نظریه‌ی *دورکیم* توجه داشته باشیم. به موجب نظریه‌ی *دورکیم* پدیده‌ی مجرمانه دارای دو کارکرد جزایی است: کارکرد نخست آن است که با مجازات مجرمان به مشخص شدن خطوط قرمز اخلاقی در جامعه کمک کرده و به جناح‌بندی *ما علیه آن‌ها* می‌انجامد. در این معنا از یک سو، پدیده‌ی هراس اخلاقی به منزله‌ی بلندگویی است که هنجارهای جامعه را فریاد می‌زند و به همه می‌فهماند که در قاموس هنجارهای اجتماعی چه رفتارهایی قابل قبول نخواهد بود. در این مفهوم هراس اخلاقی به دنبال آن است که مانع از

ایجاد تغییرات اجتماعی شود.

از سوی دیگر، گاه بروز هراس اخلاقی به معنای شکست در هنجارهای اجتماعی بوده و نوید تغییر در هنجارها را می‌دهد. این مسئله خصوصا در مواردی که هراس اخلاقی در گروه‌های خاصی از اجتماع رخ می‌دهد، بیش‌تر صادق است. در این مورد بروز هراس-های اخلاقی به معنای ایجاد تغییر در نظام هنجاری جامعه خواهد بود. ذکر چند نمونه‌ی عملی به درک مباحث نظری فوق کمک خواهد کرد.

به عنوان نمونه در واقعه‌ی بندر انگلیسی شاهد تغییری خاص در قوانین و مقررات حاکم نبودیم. گرچه پیشنهادهایی در خصوص اصلاح قانون طرح شد، ولی هیچ یک در مقام عمل اجرایی و مصوب نشدند. ولی، هراس‌های اخلاقی در خصوص مواد مخدر در آمریکا تاثیر خود را در قالب تصویب قوانین سخت‌گیرانه و یا تاسیس نهادهای جدید بر جا گذاشتند؛ برای مثال هراس اخلاقی مواد مخدر که توسط *نیکسون* در سال‌های آخر دهه‌ی ۱۹۶۰ ایجاد شد، به افزایش چشم‌گیر بودجه‌ی مبارزه با مواد مخدر، جنبه‌ی بین‌المللی یافتن مبارزه با مواد مخدر و تاسیس نهادهایی فدرال[۴۷] برای مبارزه با مواد مخدر انجامید. مورد بعدی هراس اخلاقی در خصوص مواد مخدر که در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ رخ داد، به تصویب چندین قانون فدرال برای مبارزه با مواد مخدر، افزایش زیاد بودجه‌ی فدرال برای مبارزه با مواد مخدر و برانگیخته شدن احساسات عمومی در مقابل مواد مخدر انجامید. با توجه به موارد فوق مشخص است که در بسیاری موارد هراس‌های اخلاقی بر پایه‌ی آثار به جا مانده از هراس‌های اخلاقی پیشین بنا می‌شوند.

بدین ترتیب از یک سو، هراس‌های اخلاقی در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم منجر به این شد که سوءاستفاده از مواد مخدر در ابتدا به عنوان نوعی انحراف مطرح و سپس جرم‌انگاری شود. بنابراین نخستین هراس‌های اخلاقی در خصوص مواد مخدر سبب

47. NIDA (National Institute on Drug Abuse).

بروز تغییر در هنجارهای اجتماعی شد. از سوی دیگر در اواسط قرن بیستم خرده‌فرهنگ-های مجرمانه‌ای بروز کرد که جامعه را به سمت و سوی هنجارمند بودن استفاده از مواد مخدر می‌راند. همین امر سبب بروز هراس‌های اخلاقی در خصوص مواد مخدر در اواسط قرن بیستم شد. این بار کارکرد هراس‌های اخلاقی این بود که مانع تغییرات اجتماعی شوند و خطوط قرمز اجتماع را بار دیگر برای همگان اعلام کنند.

یکی دیگر از نمونه‌های تاثیر هراس اخلاقی بر تصویب قوانین، قانون *مگان*[۴۸] در آمریکاست. ماجرا از جایی آغاز شد که مجرمی جنسی که دوبار سابقه‌ی محکومیت داشت اقدام به تجاوز و قتل *مگان کانکا*[۴۹] دختری هفت ساله از اهالی *نیوجرسی* نمود. قتل این دختر هراس اخلاقی گسترده‌ای را در کل آمریکا سبب شد. بسیاری از نهادهای مدنی به پنهان ماندن هویت مجرمین جنسی خرده می‌گرفتند و آن را تهدیدی برای سایر شهروندان قلمداد می‌کردند. روزنامه‌های معروف آمریکا با تیتر کردن مواردی چون: " آیا کودک شما نفر بعدی است؟" اقدام به دامن زدن هراس اخلاقی کردند. پیرو این مسئله سیاست‌مداران و قانون‌گذران ایالت‌های مختلف دست به کار شده و قوانینی را از تصویب گذراندند که به قوانین *مگان* معروف شد. به موجب این قوانین، تمامی اعضای جامعه حق داشتند به اسناد و مدارک مبین هویت مجرمین جنسی دسترسی داشته باشند.[۵۰]

هراس اخلاقی مشابهی در سال ۲۰۰۰ در انگلستان رخ داد. در جولای ۲۰۰۰، دختر هشت ساله‌ای به نام *سارا پاینه*[۵۱] توسط یک مجرم سابقه‌دار جنسی ربوده و کشته شد. وقوع این قتل سبب ایجاد هراس اخلاقی از مجرمین جنسی در انگلستان شد. حرکت‌های مدنی

48. Megan's Law.

49. Megan Kanka.

50. Kitzinger, J., "The Ultimate Nighbour from Hell? The Media Representation of Paedophilia", in: franklin, B. (ed.), Message Recieived: Glasgow Media Group Research 1993-1998, London, Longman, 1999, p. 209.

51. Sara Payne.

اعتراضی زیادی با عنوان "برای سارا" به راه افتاد و یکی از روزنامه‌های زرد انگلستان ستونی با عنوان "نام و شرم" راه اندازی کرد. این روزنامه اقدام به انتشار هویت و نشانی مجرمین جنسی می‌کرد که دوران محکومیت خود را سپری کرده بودند و در حال زندگی عادی بودند. انتشار این اسامی در رسانه‌ها سبب شد تا گروه‌هایی از مردم به منازل آن‌ها حمله کرده، بر دیوار آن‌ها دشنام بنویسند و یا خودرو آن‌ها را به آتش بکشند.[۵۲]

افزودنی است که در برخی موارد هراس اخلاقی به مثابه نمایه‌ای از جامعه‌ی خطر نهادینه شده و پا بر جا باقی می‌ماند. به عنوان نمونه می‌توان به ایجاد سیستم *هشدار آمبر*[۵۳] در سال ۱۹۹۶ در آمریکا اشاره کرد. تدوین این سیستم به دنبال ربایش و قتل دختری نه ساله به نام *آمبر هاگرمان*[۵۴] در آمریکا انجام شد. به دنبال ربایش این کودک، پلیس برای یافتن آدم‌ربا از تمامی تابلوهای الکترونیکی در بزرگراه‌ها و جاده‌ها برای هشدار دادن به راننده‌ها و کمک خواستن از شهروندان استفاده کرد. در سال ۲۰۰۲ کنگره‌ی آمریکا استفاده از سیستم هشدار *آمبر* را در کل آمریکا الزامی اعلام کرد. به موجب این قانون در هنگام بروز چنین جرایمی به دستور پلیس تمامی برنامه‌های معمول رادیو و تلویزیون‌های مختلف قطع و هشدارهایی برای شناسایی و دستگیری متهمین احتمالی منتشر می‌شود. هم‌چنین پیام‌های مشابهی به گوشی‌های تلفن همراه فرستاده می‌شود و متن مزبور به صورت اتوماتیک بر تمامی بلیط‌های قمارخانه‌ها و مشروب‌فروشی‌ها به چاپ می‌رسد. رایانامه و پیام‌های اینترنتی نیز در رابطه با موضوع در فضای سایبر منتشر می‌شود. به دیگر سخن در برخی موارد دولت سعی می‌کند تا موارد هراس اخلاقی را از حالت هراس‌گونه خارج کرده و با نهادینه کردن هراس راهی برای زندگی امن‌تر در دنیای خطرناک پیرامون پیش-

52. Ibid.
53. Amber Alert.
54. Amber Hagerman.

روی شهروندان قرار دهد.[۵۵]

نکته‌ی دیگری باید به آن اشاره کرد آن است که در مواردی که هراس اخلاقی در ظاهر تاثیری باقی نمی‌گذارد، ممکن است به صورت آتش زیر خاکستر در اذهان مردم باقی مانده و در موارد بعدی به عنوان پیش‌زمینه‌ای قوی سبب تقویت پاسخ‌های اجتماع شود. موارد هراس اخلاقی جامعه‌ی ایران از جرایم مهاجرین افغان را می‌توان به عنوان نمونه‌ی این مسئله ذکر کرد. در این‌جا گرچه هراس روانی ناشی از افغانی معرفی شدن خفاش شب با مشخص شدن هویت ایرانی وی فروکش کرد، اما باور به مجرم بودن افغانی‌ها در پیش‌زمینه ذهنی افراد باقی ماند و خود را با هراس اخلاقی ناشی از ماجرای انتشار فیلم تجاوز بار دیگر نشان داد. وجود این ذهنیت به احتمال قوی در شکل‌گیری روی‌کرد منفی نسبت به مهاجران افغان و حمایت از برنامه‌های دولتی مبنی بر محدودیت و اخراج آن‌ها بی‌تاثیر نبوده است.

بدین‌سان، هراس اخلاقی احساسات زودگذری نیستند که نیامده بروند. گرچه زمان بروز و ظهور آن‌ها محدود و موقت است، اما آثار آشکار و پنهان آن تا مدت‌ها در تعاملات اجتماعی نقش بازی می‌کند.

55. Feeley, Malcolm M. and Simon, Jonathan, “Folk Devils and Moral Panics: an appreciation from North America”, in: David Downes et al. (eds) , Crime, Social Control and Human Rights: From moral panics to states of denial, Essays in honour of Stanley Cohen, Cullompton, Willan Publishing, 2007, pp. 39-52.

منابع

۱. یحیایی ایله‌ای، احمد، "شایعه شاخص‌ترین بحران اجتماعی (شایعه، انواع شایعه و مدیریت شایعه)"، مجله‌ی روابط عمومی، خرداد ، شماره‌ی ۵۱، ۱۳۸۶.

2. Álvarez, Roberto and Claro, Sebastián, “David Versus Goliath: The Impact of Chinese Competition on Developing Countries”, Central Bank of Chile, Working Papers, N° 478, August 2008, available at: http://www.bcentral.cl/eng/ stdpub/studies/ workingpaper (retrieved at 26/05/2011).
3. Becker, Howard S; Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance, New York, The Free Press, 1963.
4. Bromley, David G., “Satanism, The New Cult Scare”, in: James T. Richardson, Joel Best, and David G. Bromley (eds.), The Satanism Scare, New York, Aldine de Gruyter, 1991, pp. 49–72.
5. Bronstein, Carolyn, “No More Black and Blue: Women Against Violence Against Warner and the Warner Communications Boycott”, 1976–1979, Violence Against Women, 14 (April) 2008, pp. 418–436, available at: http://vaw.sagepub.com/ content/14/4/ 418. full.pdf+html (retrieved at 07/06/2011).
6. Brunvand, Jan Harold, Encyclopedia of Urban Legends, New York, Norton, 2001.
7. Brunvand, Jan Harold, The Truth Never Stands in the Way of a Good Story, Urbana University of Illinois Press, 2000.
8. Cohen, Stanley, Folk Devils and Moral Panics, 1972 (3rd ed.) , London: Routledge, 2002.
9. De Young, Mary, The Day Care Ritual Abuse Moral Panic, Jefferson, NC, McFarland, 2004.
10. Feeley, Malcolm M. and Simon, Jonathan, “Folk Devils and Moral Panics: An

appreciation from North America", in: David Downes *et al.* (eds), Crime, Social Control and Human Rights: From Moral Panics to States of Denial, Essays in honour of Stanley Cohen, Cullompton, Willan Publishing, 2007, pp. 39-52.

11. Fine, Gary Alan and Turner, Patricia, Whispers on the Color Line, Rumor and Race in America, Berkeley, University of California Press, 2001.
12. Goode, Erich, Drugs in American Society, New York, McGraw-Hill, 7th ed., 2008.
13. Hall, Stuart et al., Policing the Crisis, Mugging, the State, and Law and Order, London, Macmillan, 1978.
14. Jenkins, Philip, Intimate Enemies, Moral Panics in Contemporary Britain, New York, Aldine de Gruyter, 1992.
15. Kitzinger, J., "The Ultimate Nighbour from Hell? The Media Representation of Paedophilia", in: Franklin, B. (ed.), Message Recieived: Glasgow Media Group Research 1993-1998, London, Longman, 1999.
16. Kuzma, Cindy, "Rights and Liberties: Sex, Lies, and Moral Panics", AlterNet, available at: http://www.alternet.org/rights/26131/ (retrieved at 26/05/2011).
17. Melvin, Mencher, News Reporting and Writing, Madison, WI: Brown & Benchmark, 7th ed., 1997.
18. Nachman, Ben-Yehuda, The Politics and Morality of Deviance: Moral Panics, Drug Abuse, and Reversed Stigmatization, Albany, New York, State University of New York Press, 1990.
19. Nachman, Ben-Yehuda, "The Sociology of Moral Panics: Toward a New Synthesis", The Sociological Quarterly, 27:4, pp. 495–513, 1986, available at: http://www.jstor.org/stable/4106341 (retrieved at 21/03/2011).
20. "Snuff Films", available at: http://en.wikipedia.org/wiki/Snuff_film (retrieved at

27/05/2011).

21. Waddington, P.A.J., “Mugging as a Moral Panic: A Question of Proportion”, British Journal of Sociology, 37 (June), 1986, available at: http://www.jstor.org/stable/590356 (retrieved at 12/06/2011).

22. Welch, Michael, Scapegoats of September 11th: Hate Crime and State Crimes in the War on Terror, New Brunswick, NJ, Rutgers University Press, 2006.